

خبر

سایه قبض ۴۰۰ میلیونی بر سر کشاورزان / مشکل برق چاه‌ها ریشه‌ای حل شود



رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران با اشاره به کاهش مبلغ بسیاری از قبوض برق کشاورزی پس از پیگیری‌های انجام‌شده، گفت: این اصلاحات موقتی است و تا زمانی که مبنای تعیین الگوی مصرف تغییر نکند، مشکل کشاورزان به‌صورت ریشه‌ای حل نخواهد شد.

ماجرای قبوض برق کشاورزان از زمانی جدی شد که ارقام درج‌شده در برخی صورتحساب‌ها با هزینه دوره‌های قبلی فاصله‌ای چند ده یا حتی چند صد برابری پیدا کرد. اتاق اصناف کشاورزی و منابع طبیعی ایران در این باره گفته‌بود در یک نمونه، مبلغ قبض ماهانه یک چاه کشاورزی از حدود چهار تا پنج میلیون تومان، به بیش از ۴۰۰ میلیون تومان رسیده است. قبض‌های ۱۰۰ میلیون تومانی نیز صادر شده و در موردی دیگر، کشاورزی برای تنها ۱۰ روز مصرف برق، قبض ۱۲۰ میلیون تومانی دریافت کرده است.

به گفته اتاق اصناف کشاورزی و منابع طبیعی ایران، تعرفه برق چاه‌های کشاورزی در برخی پله‌ها از چهار تا حدود ۴۰۰ برابر افزایش یافته است و در شرایطی که پرداخت این مبالغ از توان بسیاری از کشاورزان خارج است، ادامه فعالیت واحدهای تولیدی با مشکل مواجه شده.

این تشکل صنفی می‌گوید تعرفه پایه برق بخش کشاورزی بیش از این برای هر کیلووات‌ساعت ۲۱ تومان بود و در ساعات اوج مصرف به ۴۲ تومان می‌رسید؛ اما در جدول جدید، پایین‌ترین نرخ از حدود ۸۰ تومان آغاز می‌شود و در برخی پله‌های اوج بار تا ۸ هزار و ۶۸۰ تومان برای هر کیلووات‌ساعت افزایش یافته است. به این ترتیب، پایین‌ترین پله تعرفه تقریبا چهار برابر نرخ پایه قبلی است؛ اما اگر مصرف یک چاه در بالاترین پله و با نرخ ۸ هزار و ۶۸۰ تومان محاسبه می‌شد، نسبت آن به تعرفه پایه ۲۱ تومانی به حدود ۴۰۰ برابر می‌رسید. میانگین افزایش در برخی نمونه‌قبض‌های ارائه‌شده نیز حدود ۱۰۰ برابر اعلام شد.

از اعتراض کشاورزان تا لغو افزایش پلکانی

پیمان عالمی – رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران– در گفت‌وگو با ایسنا، درباره آخرین وضعیت قبوض برق کشاورزان، اظهار کرد: با پیگیری‌های انجام‌شده، اداره برق، اصلاحاتی را در برخی قبوض اعمال کرده و مبلغ بسیاری از قبوض کاهش یافته و به روال گذشته بازگشته است. از این اقدام تشکر می‌کنیم، اما مسئولان نیز اعلام کرده‌اند که این اصلاحات موقتی است؛ بنابراین باید برای حل اساسی مسئله چاره‌اندیشی شود. مشکل اصلی، نحوه تعیین الگوی مصرف برق برای بخش کشاورزی است. در حال حاضر، مصرف خارج از الگوی تعیین‌شده با افزایش بسیار شدید تعرفه مواجه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در برخی موارد میزان افزایش تعرفه تا ۴۰۰ برابر عنوان شده است. اتاق اصناف کشاورزی مبنای فعلی این الگو را قبول ندارد و معتقد است معیار تعیین‌شده باید مورد بازنگری قرار گیرد.

الگوی فعلی از نظر فنی و اجرایی قابل قبول نیست

عالمی با بیان اینکه الگوی اعلام‌شده از سوی توابیر بر مبنای جدول ارائه‌شده از طرف شرکت منابع آب ایران تعیین شده است، گفت: این الگوها نه از نظر فنی، نه از منظر قانونی و عرفی و نه لحاظ اجرایی، مبنای‌های درستی محسوب نمی‌شوند و قابلیت اجرا در بخش کشاورزی را ندارند. نمی‌توان برای افرادی که در خط مقدم تولید فعالیت می‌کنند، بدون دریافت نظرات فنی و کارشناسی آنان و استفاده از تجربه‌هایشان تصمیم‌گیری کرد. وقتی تصمیم‌ها پشت درهای بسته و از سوی افرادی گرفته می‌شود که تجربه مستقیمی در فرایند تولید ندارند، نمی‌توان انتظار داشت دستورالعمل‌های تدوین‌شده در مزارع قابلیت اجرا داشته باشند.

رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران این مقررات را «تکلیفی مالاپلاق» برای تولیدکنندگان دانست و افزود: اتاق اصناف کشاورزی این شرایط را نمی‌پذیرد و موضوع را از طریق مراجع ذی‌ربط و ذی‌صلاح پیگیری خواهد کرد تا الزام غیرقابل جرایبی که از سوی وزارت نیرو به کشاورزان تحمیل شده، اصلاح شود.

تعیین سهم ماهانه برق، مدیریت مزرعه را مختل می‌کند

عالمی در توضیح الگوی مصرف برق چاه‌های کشاورزی گفت: این الگو بر مبنای جدولی تنظیم شده که ساعات مشخصی از کارکرد یا میزان معینی از مصرف انرژی را برای هر ماه تعیین می‌کند. در نتیجه، کشاورز تنها در همان محدوده زمانی و مصرفی اجازه استفاده از برق برای چاه خود را دارد. اجرای چنین الگویی در عمل به معنای گرفتن مدیریت مزرعه از کشاورز و سپردن آن به برنامه توزیع برق است؛ در حالی که کشاورز، مدیر مزرعه است و باید متناسب با نیاز آبی محصول خود درباره زمان آبیاری تصمیم بگیرد. به گفته وی، نیاز آبی یک مزرعه در طول سال ثابت نیست و تحت تأثیر نوع کشت، میزان بارندگی، دما، رطوبت هوا، وزش باد و دیگر شرایط اقلیمی تغییر می‌کند. معیار تعیین محصول در یک ماه به دلیل بارندگی نیازی به آبیاری نداشته باشد، اما در ماه بعد، به علت افزایش دما و خشکسالی، به آب بیشتری نیاز پیدا کند. بنابراین، محدود کردن مصرف برق و برداشت آب به سهم‌های ثابت ماهانه با شرایط‌های تولید کشاورزی سازگار نیست.

آزادی در زمان برداشت، نه در میزان برداشت آب

رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران با تأکید بر ضرورت حفاظت از منابع آب زیرزمینی تصریح کرد: منظور ما آزاد گذاشتن کشاورزان در میزان برداشت آب نیست. حجم برداشت باید کاملاً مطابق پروانه بهره‌برداری و قوانین موجود باشد و هر گونه برداشت غیرقانونی و غیرمجاز نیز باید به‌طور جدی برخورد شود. درخواست کشاورزان این است که حجم قانونی و مشخص‌شده آب در طول سال زراعی در اختیار تولیدکننده قرار گیرد تا خود او بتواند متناسب با شرایط اقلیمی و نیاز مزرعه، زمان استفاده از آن را مدیریت کند. کشاورز باید اختیار داشته باشد سهم قانونی خود را در زمانی مصرف کند که بیشترین نیاز وجود دارد و با کمترین میزان آب، بهترین محصول را تولید کند.

کاهش مبلغ قبوض، راه‌حل نهایی نیست

وی با بیان با اشاره دوباره به اصلاح برخی قبوض برق کشاورزی گفت: کاهش مبلغ قبوض اقدامی مثبت است، اما تا زمانی که الگوی مصرف فعلی باقی بماند، احتمال تکرار قبوض سنگین برای کشاورزانی که از الگوی ماهانه تعیین‌شده عبور می‌کنند، وجود دارد. ازاین‌رو، ضروری است مسئله به‌صورت ریشه‌ای بررسی و الگویی تدوین شود که ضمن رعایت سقف قانونی برداشت آب، امکان مدیریت زمان آبیاری را در اختیار کشاورز قرار دهد. **خبرنگار:سید عارف میر باقری**

لاشه‌های فوک خزری یکی پس از دیگری در سواحل جنوبی دریای خزر ظاهر می‌شوند، اما علت دقیق این تلفات روشن نیست.

دریای خزر سال‌هاست درگیر زخم‌هایی است که بسیاری از آنها در نگاه نخست دیده نمی‌شوند؛ از پس‌روی و تغییرات سطح آب گرفته تا آلودگی رودخانه‌های منتهی به دریا، کاهش تنوع زیستی، فشار بر ذخایر آبزیان و تغییرات اقلیمی، اما در میان همه این نشانه‌ها، گاهی یک لاشه بر شن‌های ساحل می‌تواند پیش از ده‌ها گزارش و آمار، زنگ خطر وضعیت

این پهنه آبی را به صدا درآورد؛ لاشه فوک خزری، تنها پستاندار دریای خزر و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت این اکوسیستم. در سال‌های اخیر مشاهده لاشه فوک‌های خزری در سواحل جنوبی دریای خزر به موضوعی نگران‌کننده تبدیل شده است؛ حیواناتی که زمانی بخشی از سیمای طبیعی خزر بودند و امروز هر بار به ساحل رسیدن یک لاشه، پرسش‌های تازه‌ای درباره وضعیت زیستگاه، منابع غذایی، آلودگی‌ها و عوامل مؤثر بر سلامت این گونه در معرض خطر انقراض ایجاد می‌کند. مازندران نیز از جمله مناطقی است که طی سال‌های اخیر مواردی از تلفات فوک خزری در سواحل آن ثبت شده است. بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده از سوی معاون محیط زیست طبیعی مازندران، تعداد لاشه‌های ثبت‌شده در

سواحل استان به ۱۸ قلاهد رسیده است؛ آماری که اگرچه در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته کمتر است، اما هنوز نمی‌توان از کاهش قطعی روند تلفات سخن گفت، چراکه دوره پایش سالانه به پایان نرسیده و تا پایان شهریورماه زمان باقی است.

پرسش مهم‌تر از تعداد لاشه‌ها، علت مرگ این حیوانات است. آیا یک بیماری ویروسی در میان فوک‌های خزری شیوع پیدا کرده است؟ یا آلودگی‌های دریایی و ورود پساب‌ها و فاضلاب‌ها به خزر در این تلفات نقش دارند؟ آیا تغییرات اقلیمی و کاهش منابع غذایی، وضعیت این گونه را شکننده‌تر کرده است؟ یا بخشی از لاشه‌هایی که در سواحل مازندران پیدا می‌شوند، اساساً در آب‌های ایران تلف نشده‌اند و جریان‌های دریایی آنها را از مناطق دیگر خزر به ساحل آورده است؟

پاسخ هیچ‌کدام از این پرسش‌ها هنوز قطعی نیست و بررسی‌های انجام‌شده تاکنون نتوانسته یک عامل مشخص را به‌عنوان علت قطعی تلفات معرفی کند. فرضیه بیماری ویروسی مطرح است، اما هنوز تأیید نهایی برای نسبت دادن همه تلفات به یک عامل ویروسی مشخص وجود ندارد. از سوی دیگر، آلودگی‌های محیطی نیز به‌عنوان یکی از احتمالات قابل بررسی مطرح هستند؛ احتمالی که حتی اگر هنوز اثبات نشده باشد، به دلیل حساسیت وضعیت دریایی خزر نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

نکته مهم دیگر این است که محل پیدا شدن لاشه الزاماً محل تلف شدن فوک نیست. دریای خزر یک پهنه آبی مشترک میان پنج کشور است و جریان‌های دریایی، باد و امواج می‌توانند لاشه را کیلومترها جابه‌جا کنند. به همین دلیل، مشاهده تعداد بیشتری از لاشه‌ها در سواحل بابلسر و جویبار لزوماً به معنای وجود آلودگی یا کانون تلفات در این مناطق نیست. ممکن است حیوان در نقطه‌ای دیگر تلف شده باشد و در نهایت به دلیل شرایط جریان آب و باد در سواحل این شهرستان‌ها به ساحل رسیده باشد.فوک خزری به دلیل قرار گرفتن در رأس هرم غذایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گونه‌های بالای زنجیره غذایی معمولاً نسبت به تغییرات محیطی و تجمع برخی آلاینده‌ها حساس‌ترند و از این منظر، وضعیت آنها می‌تواند اطلاعات مهمی درباره سلامت اکوسیستم ارائه کند. به همین دلیل، تلفات این گونه باید نه فقط از منظر حیات‌وحش، بلکه به‌عنوان یک شاخص محیط‌زیستی درباره وضعیت دریای خزر مورد توجه قرار گیرد. در پی گزارش‌هایی از تلفات فوک خزری در سواحل جنوبی دریای خزر، دکتر اسماعیلی، معاون محیط زیست طبیعی مازندران، در این گفت‌وگوی تفصیلی به تشریح وضعیت این گونه ارزشمند، علت احتمالی تلفات، آمارها و اقدامات پیشگیرانه

پرداخت. اکنون سؤال اصلی این نیست که چرا یک یا چند فوک در ساحل پیدا شده‌اند؛ سؤال بزرگ‌تر این است که دریای خزر چه پیامی از مرگ این پستانداران برای ما دارد؟ هنوز برای نسبت دادن تلفات به یک عامل مشخص زود است، اما همین ابهام باید به جای ایجاد آرامش، انگیزه‌ای برای بررسی دقیق‌تر باشد. زیر در محیط زیست، همیشه لازم نیست فاجعه به مرحله آشکار برسد تا زنگ خطر را بشنومیم؛ گاهی یک لاشه بر ساحل، همان هشدار زودهنگامی است که



اگر جدی گرفته نشود، ممکن است بعدها با بحرانی بسیار بزرگ‌تر روبرو شویم. اکنون چشم‌ها به نتایج بررسی‌های تخصصی و همکاری کشورهای حاشیه خزر دوخته شده است تا مشخص شود این پستاندار در معرض خطر، قربانی چه چیزی شده است؛ بیماری، آلودگی، تغییرات اکولوژیک، فشارهای انسانی یا ترکیبی از همه این عوامل؟ پاسخ به این پرسش، فقط برای نجات فوک خزری اهمیت ندارد؛ برای فهمیدن حال امروز دریای خزر نیز حیاتی است.

در پی افزایش گزارش‌هایی از تلفات ۲۵ فوک خزری در سواحل دریای خزر، دکتر اسماعیلی، معاون محیط زیست طبیعی مازندران، در گفت‌وگوی تفصیلی به تشریح علل تلفات فوک خزری پرداخت.

مهم‌ترین دلایل تلفات فوک خزری در سال‌های اخیر چیست؟ آیا عامل ویروسی تأیید شده است؟

در خصوص تلفات فوک خزری باید تأکید کرد که تاکنون نمی‌توان یک عامل مشخص را به‌عنوان علت قطعی مرگ این گونه اعلام کرد. موضوع پیچیده‌تر از آن است که بتوان صرفاً بر اساس مشاهده لاشه‌ها یا علائم ظاهری، علت تلفات را تعیین کرد و برای رسیدن به یک نتیجه علمی باید مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد.یکی از فرضیه‌هایی که طی سال‌های اخیر مطرح شده، بیماری‌های ویروسی است. برخی بررسی‌ها و مطالعات، احتمال نقش عوامل ویروسی را مورد توجه قرار داده‌اند، اما تاکنون شواهدی که بتواند با قطعیت یک عامل ویروسی مشخص را به‌عنوان علت اصلی تلفات فوک خزری تأیید کند، به دست نیامده است. بنابراین در شرایط فعلی نمی‌توان با اطمینان گفت که تلفات مشاهده‌شده ناشی از یک بیماری ویروسی خاص بوده است.

در کنار بیماری‌های ویروسی، آلودگی‌های محیطی و دریایی نیز یکی از موضوعات مهم در بررسی علت تلفات است. دریای خزر یک پهنه آبی بسته است و ورود آلاینده‌ها می‌تواند در شرایط مختلف بر اکوسیستم و گونه‌های جانوری آن اثرگذار باشد. به همین دلیل، بررسی وضعیت آلودگی آب، رسوبات و حتی بافت لاشه حیوانات تلف‌شده باید در کنار مطالعات بیماری‌شناسی دنبال شود.

در سال جاری نیز در بخش‌هایی از سواحل کشورهای شمالی دریای خزر، از جمله قزاقستان، تلفات فوک خزری گزارش شده است. برای نمونه، حدود ۱۰۰ قلاهد فوک تلف‌شده در این کشور گزارش شد. بنابراین این احتمال وجود دارد که بخشی از لاشه‌هایی که در سواحل جنوبی دریای خزر مشاهده می‌کنیم، منشأ غیرایرانی داشته باشند و در اثر جریان آب به سواحل ایران منتقل شده باشند.

بحران بزرگ در دریای شمال؛ چرا فوک های خزری یکی پس از دیگری تلف می‌شوند؟

آیا عوامل انسانی در این تلفات دخالت دارند؟

در بررسی عوامل انسانی مؤثر بر تلفات فوک خزری باید میان شرایط گذشته و وضعیت فعلی تفاوت قائل شویم. یکی از مهم‌ترین مواردی که در گذشته وجود داشت، تعارض میان فوک خزری و فعالیت صیادی بود. فوک‌ها در مواردی هنگام جست‌وجوی غذا وارد توره‌ای ماهیگیری می‌شدند و گرفتار شدن آن‌ها در تور می‌توانست به تلف شدن حیوان منجر شود. در سال‌های گذشته، در برخی موارد صیادان نیز به دلیل ناآگاهی از اهمیت حفاظتی این گونه و ارزش اکولوژیک آن، با فوک‌هایی که در تور گرفتار می‌شدند برخورد مناسبی نداشتند و حتی اقدام به کشتن آن‌ها می‌کردند. این مسئله یکی از چالش‌های جدی حفاظت از فوک خزری بود، اما خوشبختانه با اجرای برنامه‌های آموزشی و افزایش آگاهی جوامع صیادی، این نوع تعارض در کشور ما تا حد زیادی کاهش پیدا کرده است.

آمار دقیق تلفات در سواحل مازندران تاکنون چقدر است و نسبت به سال گذشته چه تغییری داشته است؟

بر اساس آخرین گزارش‌های ثبت‌شده، تا پیش از این ۱۷ قلاهد فوک خزری تلف‌شده در سواحل مازندران شناسایی و گزارش شده بود، اما روز گذشته نیز یک لاشه جدید در محدوده محمودآباد کشف شد و با احتساب این مورد، مجموع تلفات ثبت‌شده در سواحل استان تاکنون به ۱۸ قلاهد رسیده است.

اگر بخواهیم این آمار را با مدت مشابه سال گذشته مقایسه کنیم، باید به بازه زمانی مشخصی توجه داشته باشیم. تا ۱۹ خرداد سال گذشته، حدود ۳۶ قلاهد فوک خزری تلف‌شده در حاشیه جنوبی دریای خزر گزارش شده بود؛ بنابراین در مقایسه با این بازه زمانی، تعداد تلفات ثبت‌شده در سال جاری تاکنون کاهش داشته است.

با این حال، نمی‌توان صرفاً بر اساس همین ارقام نتیجه گرفت که روند تلفات فوک خزری به‌طور قطعی کاهش یافته است. دلیل آن این است که چرخه بررسی و ثبت تلفات هنوز کامل نشده و تا پایان شهریورماه که می‌توان یک دوره کامل‌تر را مورد ارزیابی قرار داد، زمان باقی مانده است.از طرف دیگر، باید توجه داشت که تعداد لاشه‌های کشف‌شده در سواحل مازندران الزاماً معادل تعداد فوک‌هایی نیست که در آب‌های جنوبی خزر تلف شده‌اند.

ب‌بشترین تلفات در سواحل بابلسر و جویبار اتفاق افتاده است. آیا دلیل خاصی دارد؟

اینکه تعداد بیشتری از لاشه‌های فوک خزری در سواحل بابلسر و جویبار مشاهده شده، لزوماً به این معنا نیست که منشأ تلفات در همین مناطق بوده یا آلودگی خاصی در این دو شهرستان وجود دارد. باید میان محل تلف شدن حیوان و محل به‌ساحل‌نشستن لاشه تفاوت قائل شویم. لاشه فوک‌ها پس از مرگ ممکن است تحت تأثیر شرایط دریایی جابه‌جا شوند و در نقطه‌ای کاملاً متفاوت از محل تلف شدن، به ساحل برسند. عواملی مانند جهت و شدت باد، ارتفاع موج، جریان‌های سطحی و دریایی و شرایط جغرافیایی ساحل می‌توانند تعیین کنند که یک لاشه در کدام نقطه از ساحل مشاهده شود.

در حال حاضر، شواهدی که بتواند تلفات بیشتر در بابلسر و جویبار را مستقیماً به آلودگی یا ویژگی خاص این دو شهرستان مرتبط کند، در اختیار نداریم. بنابراین باید از نتیجه‌گیری شتابزده پرهیز کرد و محل کشف لاشه را با محل واقعی مرگ حیوان یکی ندانست.

در نهایت، حفاظت از فوک خزری یک مسئولیت جمعی است. محیط زیست وظیفه پایش و حفاظت را بر عهده دارد، دامپزشکی باید در تشخیص و نمونه‌برداری تخصصی همکاری کند، دانشگاه‌ها می‌توانند در مطالعات علمی نقش‌آفرین باشند، صیادان باید آموزش ببینند، دستگاه‌های اجرایی باید ملاحظات زیست‌محیطی را رعایت کنند و مردم نیز چشم و گوش دستگاه‌های مسئول در سواحل باشند. اگر این زنجیره همکاری شکل بگیرد، حتی مشاهده یک فوک زخمی یا یک لاشه می‌تواند به جای آنکه صرفاً یک خبر تلخ باشد، به یک داده ارزشمند برای شناخت وضعیت این گونه و پیشگیری از تلفات بعدی تبدیل شود.

خسارت ۳۷ همتی جنگ تحمیلی سوم/ کرمانشاه، ایلام و کردستان؛ رکورددار بیشترین خسارت

واحد به اتمام رسیده است که این روند با مشارکت مردم انجام شد؛ به این صورت که مردم یا خود اقدام به تعمیر می‌کردند و یا پس از انجام تعمیرات، فاکتورهای مربوطه را ارائه می‌دادند و هزینه‌ها به‌آنها پرداخت می‌شد.
جودی گفت: میزان خسارت وارد شده به بخش مسکن، اماکن تجاری و اسباب اساسی مردم بالغ بر ۳۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

وی افزود: بخش عمده واحدهای آسیب‌دیده، واحدهای تعمیری بوده‌اند و تعداد واحدهای احداثی حدود یک‌هزار ۴۰۰ واحد است.

معاون بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در تشریح روند تعمیرات بیان کرد: تعمیرات در سه سطح انجام شده که شامل تعمیرات جزئی، تعمیرات متوسط و تعمیرات اساسی است. از مجموع ۶۳ هزار و ۵۲۶ واحد تکمیل‌شده، ۴۷ هزار و ۴۳۳ واحد دارای تعمیرات جزئی، ۱۴ هزار و ۴۳۸ واحد دارای تعمیرات متوسط و یک‌هزار و ۷۲۵ واحد نیازمند تعمیرات اساسی بوده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: برنامه‌ریزی شده است که عملیات تعمیر همه واحدهای تعمیری تا پایان سال جاری به اتمام برسد.

کرمانشاه، ایلام و کردستان؛ رکورددار بیشترین خسارات جنگی

وی درباره استان‌های دارای بیشترین خسارت اظهار کرد: استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان بیشترین خسارات را از نظر تعداد و ارزش متحمل شده‌اند.
جودی ادامه داد: در شهر تهران نیز خسارات قابل توجهی وجود داشته اما به دلیل اینکه مسئولیت بازسازی در تهران بر عهده شهرداری است، آمار دقیق آن در اختیار بنیاد مسکن نیست.

سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و ورزشی

خبر

مسکن از روی کاغذ تا روی زمین / دهک‌هایی که سال‌ها خارج از گردونه بودند



دولت چهاردهم با دو رویکرد اصلی شامل مسکن حمایتی و استیجار عمومی قصد دارد دهک‌هایی را که سال‌ها از گردونه بخش مسکن خارج بوده‌اند، وارد این چرخه کند. در حال حاضر صنعت ساختمان در ایران از شرایط ویژه‌ای برخوردار است. رکود بازار مسکن باعث شده تا سهم بخش ساختمان در تولید ناخالص داخلی کشور کاهش پیدا کند. اوایل دهه ۸۰ خورشیدی سهم بخش مسکن از GDP حدود ۵ درصد بود که در سال ۱۳۸۸ به ۹ درصد رسید اما در ادامه در یک مسیر کاهشی قرار گرفت و سال ۱۴۰۲ این عدد ۳.۶ درصد اعلام شد. با این حال از پاییز سال گذشته اوضاع این بخش نسبت به سال ۱۴۰۳ بهبود پیدا کرده است.

بر اساس گزارشی که بهار اسفالد از سوی مرکز آمار ایران ارایه شد، نرخ رشد بخش ساختمان، در پاییز ۱۴۰۴ ۲۸ درصد رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن که این عدد منفی ۰.۹ درصد بود، از افزایش ۳.۷ درصد حکایت دارد.

آینده صنعت ساختمان ایران؛ از سیاست‌گذاری تا سرمایه‌گذاری

شرایط ویژه اقتصاد کشور، تحریم‌ها و جنگ، وضعیت صنعت ساختمان را پیچیده کرده است. در این بین وزارت راه و شهرسازی با محدودیت منابع طرح‌های مثل «نهضت ملی مسکن» و «مسکن استیجار عمومی» را در دستور کار خود قرار داده است.

یکی از موضوعات محوری مدنظر وزارتخانه تحت مسئولیت فرزانه صادق، آینده سیاست‌گذاری مسکن و نحوه تأمین مسکن برای اقشار و گروه‌های مختلف جامعه است؛ موضوعی که در همایش سه‌روزه «آینده صنعت ساختمان ایران» با تمرکز بر مهم‌ترین مسائل و روندهای اثرگذار بر آینده بخش مسکن و ساختمان، از ۲۸ تا ۳۰ مردادماه و همزمان با نمایشگاه صنعت ساختمان دنبال می‌شود.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده که نمی‌توان با یک الگوی واحد، پاسخگوی نیاز تمام خانوارها بود. تفاوت در سطح درآمد، تعداد اعضای خانوار، مرحله زندگی، توان بازپرداخت، محل سکونت و ترجیحات خانوار، ضرورت حرکت به سمت ارائه نسخه‌های متنوع و متناسب با نیاز و شرایط خانوارها را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

بر این اساس، سیاست مسکن آینده باید از رویکرد «یک نسخه برای همه» فاصله گرفته و به سمت طراحی سبکی از راهکارها شامل مالکیت، اجاره، اجاره‌داری حرفه‌ای، مسکن استطاعت‌پذیر، مسکن حمایتی و الگوهای متنوع تأمین مالی و تولید حرکت کند؛ به‌گونه‌ای که سیاست‌های زمین، تسهیلات، مالیات، تولید و اجاره در کنار یکدیگر و متناسب با هر گروه طراحی شوند.

دهک‌هایی که سال‌ها خارج از گردونه بودند

فرزانه صادق – وزیر راه و شهرسازی – درباره اقدامات وزارتخانه در بخش مسکن گفته که تمام تلاش ما این است که از مسکن روی کاغذ و روی سامانه به سکونت واقعی برسیم. برای نیل به این هدف باید تمهیداتی می‌اندیشیدیم که یکی از موضوعات این بود که مسکن صرفاً مسکن ملکی نیست؛ چرا که دهک‌های پایین‌هیچگاه در چرخه مالکیت قرار نمی‌گیرند و از گردونه باز می‌مانند.وی در نشست خبری روزهای اخیر اظهار کرد که به سراغ قانون مغفول مانده استیجار رفتم. از سال پیش مسکن استیجار را آغاز کردیم و ان‌شاءالله در هفته دولت ثبت نام حدود ۵۰۰۰ واحد را آغاز می‌کنیم. با شروع این کار فرآیند رفع مشکلات محرومان شروع می‌شود. حتما مشکلاتی هم خواهد بود و مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد ولی کار را ادامه می‌دهیم. صادق همچنین با اشاره به تفاهم‌نامه مسکن محرومان با وزارت کار، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی، کمیته امداد و بهزیستی گفت: دستور کار قرار دادیم.وزیر راه و شهرسازی در خصوص بازار اجاره و مشکلاتی که مستاجران با آن مواجهند، اظهار کرد که برای کاهش هزینه‌های اجاره و تنظیم گری در این بخش، مصوبه تدبیر خودکار قراردادهای اجاره با نرخ ۲۵ درصد را در سران قوا گرفتیم. البته استان‌ها نیز تقریباً همین رقم را مصوب کرده بودند. **خبرنگار:پری برده خرم**

پلیس فتا اعلام کرد

تشکیل ۵۰۸ پرونده در طلای آنلاین در ۳ سال



معاون پلیس فتا با اعلام تشکیل ۵۰۸ پرونده در پلتفرم‌های آنلاین طلا طی ۳ سال، گفت: با احراز هویت دقیق و سامانه تشخیص تقلب می‌توان حدود ۶۰ درصد این پرونده‌ها را پیشگیری کرد. سرهنگ خالقی، معاون پلیس فتا در نمایش تخصصی پلتفرم‌های آنلاین طلا ازآقای: از خاک تا طلا، با اشاره به وضعیت جرایم در این حوزه اظهار کرد: طی ۳ سال گذشته، از زمان آغاز فعالیت عمومی نخستین پلتفرم طلای آنلاین تاکنون، ۵۰۸ پرونده در حوزه جرایم کلاهبرداری تشکیل شده است. وی افزود: از آبا ۵۰۸ پرونده در بازه زمانی ۳ ساله عدد زیادی است؟ قاعدتاً خیر و این موضوع نشان می‌دهد تنظیم‌گری این حوزه در مسیر درست قرار دارد، اما بخش زیادی از این پرونده‌ها قابل پیشگیری است.معاون پلیس فتا ادامه داد: به اعتقاد من حدود ۶۰ درصد این پرونده‌ها را می‌توان با داشتن یک سیستم احراز هویت درست و سامانه تشخیص تقلب که بتواند پیش از وقوع جرم آن را شناسایی کند، پیشگیری کرد. وی در ادامه با اشاره به حملات سایبری و پلتفرم‌های آنلاین طلا گفت: در بازه زمانی ۳ ساله، ۸ حمله سایبری به حدود ۳۰ پلتفرم داشته‌ایم که ۶ مورد از این حملات از بدبهبائی بوده که می‌توانستیم رعایت کنیم اما رعایت نشده بود.معاون پلیس فتا افزود: این حملات از مواردی مانند استفاده از رمز عبور ضعیف، ذخیره کردن رمز عبور روی مرورگر، پیکربندی‌های نامناسب، در معرض اینترنت قرار گرفتن سرویس‌های حساس و نداشتن احراز هویت چندمرحله‌ای روی سرویس‌های حیاتی و به‌روزرسانی نکردن سرویس‌های دارای آسیب‌پذیری ناشی شده است.

